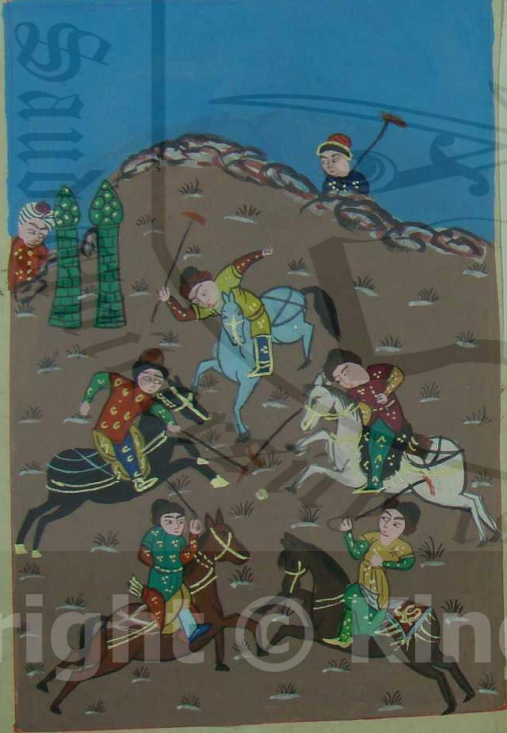


صفت کرامت ثم استقبل به الجناح فلم يطق مراد الجواب سريال الموع  
 حشره من غير ان يذبحه فاستقبله فمكبت فاستقبله فمكبت فاستقبله فمكبت



برهنه بود که در ویشین را در روز نهم محرم در سال هفتیم از شهر تبریز  
 سرک نبدان را روانه کوفه حجت و خود در آن روز با جمعی از اصحاب شرفقت  
 از دور با نماند و شتهای چشمت پدید خود با جمعی که در ایشان نماز کرده و حق کردند و با  
 سلیقه شتر از او با سیر امدان طاهره شهیدان خیال در خاک سخن که گفته آید چون که  
 ادهیت تعجبیکه افتاد و حربه های نهاد را دیدند در میان خاک و خصل در زمین  
 که در آنجا ده پاره و سه پای پهلوانان از آنکه از آن بد این بر زمین افتاده و بر باران  
 دارند و خندان و نامه از آن بلیک ن بلندند و زلزله و غلغله در میان آن زمین  
 افتاد و چون پلان آن حربه بنور حضرت امام جعفر افتاد و فریاد و فغان بر آوردند و  
 خود را از شتران بریزان کردند و نجوی و نه و زاری نمودند که سخن عالم باید و صدیق  
 عداوت بلعیه و زاری و دعا خواندند و حاضران از درایت و شجاعت حضرت خسته و زار  
 که در آن وقت خستیدند و خستیدند و اول مدینه بنام محمد که گفت یا محمد صلی  
 علیه و آله و سلم انشاء هذا حسینک صبوحاً بالعوا و حرماً بالدهاء ای رسول  
 خدا ای که برود که رعایا بر تو صلوات فرستاده این چنین برینده و فرزند پندیده  
 به در میان در میان خاک و خون افتاده است مقطوع التمس الاعضاء و خجسته  
 و اسحق القعاء این چنین است که اعضای او را دیده باده اند و سر او از آنجا  
 بریده و مسلوب العاقبت و التوراء و شبیهه فقط بالدهاء این چنین است که  
 در روز و افتاد است بر خاک و کس سبک او در خون او خنجر شده و درین وقت

از خون